

# اندیشه پارلمانتاریسم را می توان بومی کرد

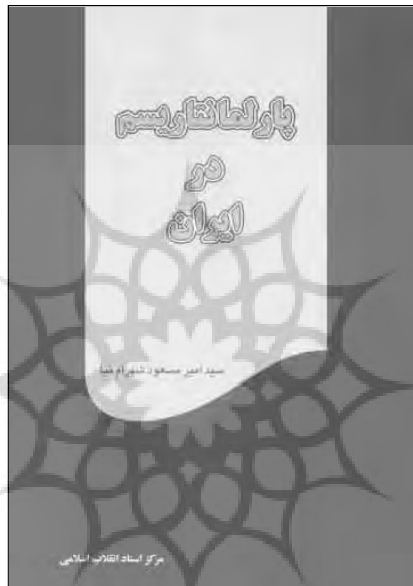
گفت و گو با سیدامیرمسعود شهرام نیا

عنوان کتاب شما پارلمانتاریسم در ایران است، چه شد که این موضوع را برای تحقیق انتخاب کردید و به تألیف این کتاب پرداختید؟

برای من هم مانند خیلی از کسان دیگری که در حوزه‌های علوم انسانی مطالعه و تحقیق می‌کنند، خاستگاه اندیشه‌های جدید در ایران مهم بوده است. به همین دلیل خیلی علاقه داشتم بدانم اندیشه‌هایی که امروزه در جامعه ما مطرح است، خاستگاهش کجا است، تا چه حد منشأ بومی دارد و تا چه میزانی وارداتی است. همین مسأله باعث شد که از میان چهار یا پنج موضوع مشابه، مبحث پارلمانتاریسم را انتخاب کنم و به بررسی بسترهای فکری و اجتماعی این اندیشه در ایران بپردازم.

کتاب شما، چه تفاوت‌هایی با کتاب‌های مشابه در این زمینه دارد؟

کتابی که به گونه‌ای اختصاصی به موضوع پارلمانتاریسم پرداخته باشد، من ندیده‌ام. اما پیرامون اندیشه‌های سیاسی و این که ورود اندیشه‌های غربی به ایران چگونه بوده، کتاب‌هایی وجود دارد که تا حدودی با این موضوع مرتبط است. برخی از آنها برابند رویکرد روشنفکرانی است که فارغ از جنبه‌های دینی موجود در جامعه و نقشی که اندیشمندان و علمای دینی در بومی کردن اندیشه‌های غربی در جامعه ما داشتند، به اندیشه‌های جدید توجه کردند. مثلاً آقای فریدون آدمیت در زمینه اندیشه‌های جدید و پیدایش آن در مقطع مشروطیت، کارهای زیادی انجام داده است. ولی ایشان معمولاً به نقش روشنفکران توجه کرده‌اند. از سوی دیگر پس از انقلاب اسلامی کتاب‌هایی منتشر شد که در این کتاب‌ها نقش روشنفکران در طرح و تبیین اندیشه‌های نوین نادیده انگاشته و یا منفی نشان داده شده است. من سعی کردم به دور از افراط و تفریط یاد شده به این بحث‌ها نگاه کنم و بنا بر ضرورت وجود گاهی منصفانه و تحلیلی، این کتاب را تألیف کردم.



○ علی عنایتی شبکلایی

○ پارلمانتاریسم در ایران (بنیادهای فکری و زمینه‌های تاریخی در عصر مشروطیت)  
○ امیرمسعود شهرام نیا  
○ مرکز اسناد انقلاب اسلامی  
○ ۱۳۷۹، ۵۰۸ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه

اشاره

واژه پارلمان از ریشه فرانسوی «پارله» به معنای گفت‌وگو است. روند دگرگونی‌های پارلمان، سرشت و سرنوشت یکسانی در همه جوامع نداشته است. از مجمع درباریان در حال گفت‌وگو در اروپای سده دوازدهم تا نهاد برآمده از آرای مردم و نماد اعمال حق حاکمیت ملت، راهی طولانی پیموده شد.

در ایران نخستین بار از طریق آثار آن دسته از نخبگان سیاسی که به اروپا سفر کرده بودند، از قبیل «حیرت نامه» به قلم میرزا ابوالحسن خان ایلچی و «سفرنامه» میرزا صالح شیرازی، واژه «پارلمنت» به ادبیات سیاسی راه یافت. در دوره انقلاب مشروطیت، شعاع اصلی رهبران روحانی و مبارزان، «عدالتخانه» بود. بعدها همین نهاد در فرمان دوم مظفردالدین شاه به عنوان «مجلس شورای ملی» نامیده شد.

با وجود فراهم نبودن بسترهای مناسب در جامعه از نظر فرهنگی، سیاسی و حقوقی و طبقاتی بودن مجلس اول، نمایندگان این دوره رفتارهای ضداستعماری و ضداستبدادی از خود نشان دادند. رد لایحه استقراض و مخالفت با قرار داد ۱۹۰۷ و محدود کردن قدرت شاه نشان دهنده گرایش حاکم در مجلس اول بود. به همین دلیل بود که محمدعلی شاه مجلس اول را تحمل نکرد. مجلس دوم نیز پیش از موعد مقرر منحل شد و مجلس سوم هم با پیش آمدن جنگ جهانی اول دچار بحران، تعطیلی و فترتی شش ساله شد. در همین دوره قرارداد ۱۹۱۹ بر ایران تحمیل شد که مجلس چهارم آن را لغو کرد. در این دوره، مسأله نفت هم به سرنوشت مجلس گره خورد تا اینکه مجلس شانزدهم، پس از چند دوره تلاش، صنعت نفت کشور را ملی کرد. با این حال تا پیروزی انقلاب اسلامی، پادشاهان یا با مجلس مخالفت می‌کردند و یا مجلس فرمایشی تشکیل می‌دادند.

با وجود اهمیت مجلس به عنوان یکی از بنیادهای دموکراتیک و جایگاه و نقش آن در ساختار و تحولات سیاسی و اجتماعی کشور، آثار سیاسی و جامعه‌شناختی کمی در زمینه پارلمان‌ها و مسایل مربوط به نمایندگی در ایران تألیف شده است. کتاب پارلمانتاریسم در ایران: بنیادهای فکری و زمینه‌های تاریخ در عصر مشروطیت تألیف سیدامیر مسعود شهرام نیا یکی از معدود کتاب‌هایی است که در آن به این موضوع پرداخته شده است. گفت‌وگویی که می‌خوانید درباره این کتاب است.



## دموکراسی و حکومت نمایندگی از دستاوردهای عقل بشری است

برخی از مؤلفان  
پس از انقلاب اسلامی ایران،  
آثار مختلف روشنفکران را  
در طرح و تبیین  
اندیشه‌های نو  
نادیده انگاشته‌اند

شرایط جامعه اسلامی ما است. اگرچه در عمل شاید ناتوانی در بومی کردن و تطبیق بحث پارلمانتاریسم با شرایط کشور یکی از دلایل ناکامی پارلمان در ایران است.

با این حال به نظر شما آیا امکان بومی شدن اندیشه‌ها و ساختارهایی همچون پارلمانتاریسم و پارلمان وجود دارد؟

بله، تجربه نظام جمهوری اسلامی و جایگاه، نقش و عملکرد مجلس شورای اسلامی نشان داده است که چنین امکانی وجود دارد. مجلس امروزی ما همان مجلسی است که هم مطابق با آرمان‌های بشری است که در نهادی مثل پارلمان متجلی شده است و هم با اصول و مبانی دینی و فرهنگی ما سازگار است. نهادی مثل پارلمان یا حکومت نمایندگی دستاورد عقل بشری است و ما نباید تصور کنیم چون ابتدا در غرب مطرح شده است، به درمان نمی‌خورد. اما باید به شرایط داخلی و الگوهای فرهنگی خودمان هم توجه داشته باشیم. کما این که خود غربی‌های هم برداشت‌ها و رویکردهای مختلفی نسبت به پارلمانتاریسم یا دموکراسی دارند. بنابراین ما هم در استفاده از این دستاوردها باید شرایط فکری و اجتماعی خودمان را در نظر بگیریم.

انتخاب ناشر و نحوه قرارداد شما با آنها چگونه بوده است؟

طرف قرارداد بنده مرکز اسناد انقلاب اسلامی بود و این کتاب در قالب پژوهش و به سفارش آنها تألیف شد. اگرچه زمانی طولانی برای انتشار کتاب گذشت ولی تجربه‌ای بود که توانستم اولین کتابم را چاپ کنم و از این بابت کار آنها قابل تقدیر است.

در بحث‌های تاریخی شرایط و بسترها را خوب توصیف کنم، سپس رویکردهای مختلفی را که نسبت به این مباحث هست تبیین نموده و جمع‌بندی و تحلیل نمایم.

شما در بحث مفهومی پارلمانتاریسم اشاره می‌کنید که این مباحث متأثر و منبعث از اندیشه‌های غربی است که به تدریج در ایران نیز مطرح شده است. بر این اساس آیا تفاوتی بین پارلمانتاریسمی که در ایران مطرح شده و شکل گرفته است با پارلمانتاریسم در غرب وجود دارد؟

این موضوع یکی از دغدغه‌های اصلی‌ام بود. برای همین در فصل نخست سعی کردم مفهوم غربی پارلمانتاریسم را نشان دهم و بعد وارد این بحث شدم که پارلمانتاریسم در ایران از دو منبع تأثیر می‌پذیرد. یکی پارلمانتاریسمی که در اندیشه برخی روشنفکران مطرح می‌شود که ترجمان همان اندیشه غربی هستند. یعنی دقیقاً می‌کوشند همان پارلمانتاریسم غربی را بیان کنند. آنان این مفهوم را بومی و وطنی هم نکرده‌اند. اما عده‌ای دیگر سعی کرده‌اند یک خاستگاه دینی و بومی برای این اندیشه مطرح کنند. براساس این دیدگاه هرچند پیشینه، ریشه‌ها و بنیادهای تاریخی پارلمانتاریسم در غرب شکل گرفته است، اما وقتی وارد ایران می‌شود باید بومی شده و با تفکر دینی سازگار شود. مستنداتی که افرادی چون مرحوم نائینی مطرح کرده‌اند و تأکیدی که روی دارالشورا دارند، بیانگر این نوع نگرش است که در کتابم آنها را به تفصیل بررسی کرده‌ام. همچنین مسأله نظارت تعدادی از علما بر مصوبات مجلس برای مغایر نبودن آنها با شرع تلاش دیگری برای بومی کردن پارلمان و سازگار ساختن آن با ساختار و

اما همین نگرش ممکن است ضعفی برای کتاب شما محسوب شود و آن این که به برخی موضوع‌ها بیش از حد پرداخته شده است. به عنوان مثال دو بخش چهارم و پنجم صرفاً به تاریخ تحولات ایران اختصاص یافته است و مباحثی هم که در این دو بخش مطرح شده، با بحث پارلمانتاریسم ارتباط مستقیمی ندارد. شما در هر کتاب مربوط به تاریخ دوره مشروطیت می‌توانید این مباحث را بیابید علت پرداختن به این موضوع‌ها به طور مجزا و مفصل چه بوده است؟

اگرچه وجود این نقص را تا حدودی قبول دارم، با این حال تصور من این است که برای بررسی یک اندیشه، به ویژه وقتی می‌خواهید خاستگاه و چگونگی شکل‌گیری آن را بررسی کنید، توجه به زمینه‌های اجتماعی و تاریخی ضروری است. به‌خصوص در اندیشه پارلمانتاریسم در نظر گرفتن ظرف تاریخی آن مهم است. ضمن این که دیگر نویسندگان در این باره دچار افراط و تفریط شده‌اند. به گونه‌ای که برخی پارلمان را کلاسی وارداتی از غرب و عده‌ای آن را محصول تحولات داخلی دانسته‌اند که هیچ یک واقع بینانه نیست.

همین طور مباحث توصیفی و تاریخی بر جنبه‌های تحلیلی و جامعه‌شناختی موضوع غلبه دارد. ضمن این که به نظر می‌رسد زمینه‌های جامعه‌شناختی پارلمانتاریسم در ایران، که باید به آن توجه جدی شود، به خوبی تبیین نشده‌اند.

این که کتاب کمتر جنبه تحلیلی دارد درست است. با این حال به نظر من تا وقتی ما توصیفی دقیق از یک رویداد یا مجموعه رویدادها نداشته باشیم، در تحلیل هم دچار مشکل خواهیم شد. من سعی کردم